

روایتی از مأموریت ملی تاب‌آوری فرهنگی هویت‌محور؛ برای ایران، برای امروز، برای فردا

Posted on ۱۴۰۵/۰۶/۰۳



از آن روز که شعار «تاب‌آوری از فرد تا فرهنگ» را بر تارک مأموریت ملی تاب‌آوری فرهنگی هویت‌محور نشان‌دیم و بر آن مهر تصویب زدیم، باوری در جان ما ریشه دوانده است که هیچ طوفانی آن را نلرزانده و هیچ گردشی آن را از یاد نبرده است: تاب‌آوری، واژه‌ای نیست که در حاشیه‌ی هیچ دانش‌نامه‌ای خلاصه شود؛ حقیقتی است زنده، فراگیر و چندچهره که از جان فرد سر برمی‌آورد و تا سرنوشت خانواده، جامعه، فرهنگ، اقتصاد و فردای یک ملت امتداد می‌یابد.

نه در دفتر روان‌شناسی محبوس می‌ماند و نه در قفس جامعه‌شناسی زندانی؛ تاب‌آوری، نام گشوده‌ی پیوند انسان با جهان است. ما هرگز تاب‌آوری را در یک رشته، یک نهاد یا یک قلمرو زندانی نکرده‌ایم. باور قلبی ما این بوده و هست که فهم این حقیقت، جز از راه مشارکت و پیمایش در فضاها و بین‌رشته‌ای میسر نیست؛ آنجا که روان‌شناسی با اقتصاد دست می‌دهد، جامعه‌شناسی با ادبیات هم‌سخن می‌شود، معماری با آیین پیوند می‌خورد، رسانه با دانشگاه هم‌نوا می‌گردد و هویت با معیشت در یک آینه رخ می‌نماید. هیچ‌یک از این‌ها به‌تنهایی تاب‌آوری را نمی‌سازد؛ اما همه با هم، بافت زنده‌ای می‌بافند که ملتی را در برابر گردش روزگار استوار نگاه می‌دارد.

از فرد تا فرهنگ؛ از جان تا تمدن

تاب‌آوری، اگرچه از فرد آغاز می‌شود، اما در فرد متوقف نمی‌ماند؛ زیرا فرد، حلقه‌ی زنجیره‌ای است بزرگ. فرد تاب‌آور، خانواده را استوار می‌پرورد؛ خانواده‌ی تاب‌آور، محله و اجتماع را پابرجا می‌دارد؛ اجتماع تاب‌آور، فرهنگ را از گسست و فراموشی نگاه می‌دارد؛ و فرهنگ تاب‌آور، به اقتصاد جهت می‌دهد، به سیاست معنا می‌بخشد و چراغ آینده‌ی یک ایران را روشن نگاه می‌دارد.

پس «از فرد تا فرهنگ» نه یک عبارت آراسته و نه عنوانی تبلیغاتی، که نقشه‌ی راهی است برای فهم پیوستگی انسان، از فرد تا فرهنگ همچنان ترانه تاب‌آوری ماست که از دبیرخانه ماموریت ملی دانشگاه حکیم سبزواری، از خانه تاب‌آوری و این روزها از عصر اقتصاد شنیده می‌شود.

«از فرد تا فرهنگ» جامعه و سرزمین؛ نقشه‌ای که بر آن نوشته‌ایم: «هیچ عرصه‌ای از زندگی ایرانی را نمی‌توان جدا از عرصه‌های دیگر فهمید.»

امروز، به مهر پروردگار، با همراهی و هم‌افزایی رسانه‌ی وزین عصر اقتصاد، گامی دیگر در همین راه برداشته‌ایم؛ گامی که خود بهترین گواه بر درهم‌تنیدگی و چندوجهی‌بودن تاب‌آوری است. چه گواهی روشن‌تر از این‌که اقتصاد می‌تواند فرهنگی باشد و فرهنگ نیز می‌تواند سیمایی اقتصادی به خود بگیرد؟ این همان حقیقتی است که سال‌ها بر آن پای فشرده‌ایم: هیچ رودی از رود دیگر جدا نیست؛ فرهنگ، آبشخور اقتصاد است و اقتصاد، جویبار روان فرهنگ.

جامعه‌ای که فرهنگ کار، مسئولیت‌پذیری، اعتماد، انصاف، صرفه‌جویی، آینده‌نگری و همکاری در آن نهادینه شده باشد، بر خاکی حاصل‌خیز ایستاده است که اقتصاد و معیشت پایدار از آن می‌روید. و اقتصادی که به هویت، کرامت انسان، میراث تاریخی، سرمایه‌ی اجتماعی و منابع طبیعی بی‌اعتنا باشد، حتی اگر در کوتاه‌مدت رونقی بیافریند، در بلندمدت ریشه‌های خود را خواهد خشکاند.

همکاری با رسانه‌ای که مأموریتش روایت و تحلیل اقتصاد است، برای ما از یک همکاری رسانه‌ای فراتر می‌رود؛ این همکاری، نماد همان نگاه بین‌رشته‌ای است که به آن باور داریم. تاب‌آوری فرهنگی در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ برای ماندگاری باید با زندگی واقعی مردم، با معیشت آنان، با بازار، با اشتغال، با سرمایه‌ی اجتماعی و با چشم‌انداز آینده پیوند بخورد.

تاب‌آوری؛ زبان مشترک انسان و جامعه

در جهان امروز، بحران‌ها نیز دیگر در یک مرز نمی‌مانند. بحران اقتصادی به بحران خانواده می‌رسد؛ بحران خانواده، سلامت روان را می‌آزارد؛ فرسایش سلامت روان، اعتماد اجتماعی را می‌کاهد؛ کاهش اعتماد، مشارکت را کمرنگ می‌کند؛ و سرانجام همه‌ی این‌ها بر فرهنگ و اقتصاد و آینده‌ی جامعه اثر می‌گذارند.

بحران اقلیمی، مهاجرت و بیکاری و فقر و گسست هویتی می‌آفریند؛ تغییرات فناوری، سبک زندگی و روابط و آموزش و کار و حتی تصور انسان از خود را دگرگون می‌سازد؛ تکنواسترس و فرسودگی شغلی و اضطراب اقتصادی و شکاف نسلی، همگی در یک نقطه به هم می‌رسند: در کیفیت زیست انسان و در میزان تاب‌آوری او.

پس تاب‌آوری را نباید تحمل صرف رنج یا بازگشت به وضع پیشین دانست. تاب‌آوری، ظرفیت فهم بحران، سازگاری با شرایط نو، آموختن از تجربه، بازسازی منابع و حرکت آگاهانه به سوی آینده است؛ یعنی جامعه نه‌تنها در برابر دشواری‌ها زنده بماند، که از دل دشواری‌ها معنا و فرصت و مسیر تازه‌ای برای رشد بیافریند.

و تاب‌آوری فرهنگی، یعنی ملتی در برابر فشارهای بیرونی و تحولات درونی، در برابر بحران‌های اقتصادی و گسست‌های اجتماعی، پیوند خود را با ریشه‌های تاریخی و معنایی‌اش حفظ کند؛ نه آن‌که در گذشته منجمد بماند، بلکه ریشه‌ها را بشناسد و

برای آینده نیز افق بگشاید.

ایران؛ سرزمینی که تاب‌آوری را آموخته است

ایران در طول تاریخ بارها با بحران‌های بزرگ روبه‌رو شده است؛ اما هر بار از دل رنج، روایت و هنر و دانش و زبان و آیین و معماری و ادبیات و همبستگی تازه‌ای سر برآورده است. راز ماندگاری ایران را نمی‌توان تنها در قدرت سیاسی یا ثروت طبیعی جست‌وجو کرد؛ ایران به مدد حافظه‌ی تاریخی، فرهنگ، زبان، خانواده، آیین‌های جمعی، دانش بومی و توان بازسازی معنایی خود، از گردنه‌های پرشمار تاریخ عبور کرده است.

ایران، سرزمینی است که در آن هر سنگ و کوه و رود و بازار و روستا و شهر، بخشی از یک روایت بزرگ‌تر است. از بیستون تا بیهق، از البرز تا زاگرس، از خلیج فارس تا دریای خزر، از خراسان بزرگ تا کرمان و فارس، از آذربایجان تا سیستان و بلوچستان، هر گوشه‌ی این سرزمین نشانه‌ای از هویت ایرانی را بر پیشانی دارد.

این نشانه‌ها تنها یادگارهای تاریخی یا جاذبه‌های گردشگری نیستند؛ آن‌ها سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی‌اند. یک بنای کهن، یک گویش محلی، یک آیین، یک خوراک بومی، یک هنر سنتی، یک شیوه‌ی معماری، یک مسیر کاروانی، یک روایت شفاهی، یک محصول محلی یا یک چشم‌انداز طبیعی، هر یک برگ‌هایی از دفتر بزرگ ایران‌اند؛ برگ‌هایی که اگر درست خوانده، حفاظت و روایت شوند، به توسعه‌ی فرهنگی، اشتغال محلی، گردشگری پایدار و رونق اقتصادی نیز بدل می‌شوند.

دغدغه‌ی ما؛ هویت و فرهنگ ایرانی در تمام گستره‌ی آن

در دبیرخانه‌ی تاب‌آوری فرهنگی هویت‌محور، دغدغه‌ی ما فقط حفظ چند بنای تاریخی یا تکرار چند نام آشنا نیست. دغدغه‌ی ما هویت و فرهنگ ایرانی در تمام گستره‌ی آن است؛ هویتی که در زبان، ادبیات، معماری، موسیقی، آیین‌ها، میراث ناملموس، زیست‌بوم‌ها، دانش‌های بومی، خانواده، بازار، تولید، هنر، کارآفرینی و شیوه‌ی زیست مردم حضور دارد.

آنچنان که گویی فراتر از ایران جغرافیایی ایرانی فرهنگی هم وجود دارد.

که باید مرزدار فرهنگی ایران نیز فراتر از سرحدات جغرافیایی هم باشیم.

برای ما، هر چیزی که نشانی از ایران دارد، مهم است. هر روستا، هر محله، هر قصه، هر استادکار، هر کشاورز، هر صنعتگر، هر آیین، هر خوراک بومی، هر مسیر تاریخی و هر تجربه‌ی زیسته‌ی مردم، قطعه‌ای از پازل بزرگ ایران است. تاب‌آوری فرهنگی آنگاه معنا می‌یابد که مردم خود را در این روایت بزرگ ببینند و احساس کنند فرهنگشان نه تزئینی بر دیوار، که بنیان زندگی و آینده‌ی آنان است.

اقتصاد، پشتوانه تاب‌آوری فرهنگی

سخن گفتن از فرهنگ، بی‌توجه به اقتصاد، سخنی ناقص است.

فرهنگ برای ماندگاری به نهاد، آموزش، رسانه، تولید، اشتغال و منابع نیاز دارد.

اگر هنرمند، پژوهشگر، صنعتگر، روستایی، فعال گردشگری، معلم و کنشگر اجتماعی نتواند از کار خود زندگی شایسته‌ای بسازد، فرهنگ به‌تدریج از متن جامعه بیرون می‌رود و به ویتترین یا خاطره‌ای دور بدل می‌شود.

اقتصاد، در معنای عمیق خود، نه اعداد است و نه نمودار و نرخ و شاخص. اقتصاد، شیوه‌ی سازمان‌دهی زندگی مادی مردم است؛ شیوه‌ای که تعیین می‌کند چه چیزی تولید شود، چه چیزی ارزشمند شمرده شود، چه کسی فرصت رشد یابد و منابع

چگونه میان نسل‌ها توزیع گردد. از همین روست که اقتصاد با عدالت، اخلاق، امید اجتماعی و هویت ملی پیوندی ناگسستنی دارد.

اقتصاد فرهنگ را تحت تاثیر دارد

آنگاه که اقتصاد محلی، تولید بومی، صنایع دستی، گردشگری مسئولانه، کشاورزی پایدار و کسب‌وکارهای فرهنگی رونق گیرند، مردم انگیزه‌ی بیشتری برای پاسداشت زبان، هنر، آیین و میراث خود می‌یابند. اما آنگاه که منطقه‌ای از فرصت‌های اقتصادی محروم ماند، مهاجرت فزونی می‌گیرد، نسل جوان از زادگاه جدا می‌شود و بسیاری از عناصر فرهنگی در معرض فراموشی قرار می‌گیرند.

در این میان، اقتصاد فرهنگ و صنایع فرهنگی می‌توانند چرخه‌ای سالم میان هویت و معیشت پدید آورند؛ کتاب، سینما، موسیقی، رسانه، گردشگری، صنایع دستی، طراحی، معماری، خوراک بومی، جشنواره‌ها و روایت‌های محلی، همگی می‌توانند پله‌هایی باشند میان آنچه ایران را معنادار می‌کند و آنچه ایران را آباد.

فرهنگ به اقتصاد هویت می‌دهد و اقتصاد به فرهنگ امکان بقا و گسترش و اثرگذاری. باید از دوگانه‌سازی میان فرهنگ و اقتصاد عبور کنیم؛ فرهنگ، مانع توسعه نیست، که یکی از مهم‌ترین منابع آن است؛ و اقتصاد، دشمن فرهنگ نیست، اگر انسانی، اخلاقی، عادلانه و هویت‌مدار باشد، پشتیبان فرهنگ و حافظ سرمایه‌های اجتماعی ملت خواهد بود.

فرهنگ اقتصادی و سیمای اقتصادی فرهنگ

فرهنگ اقتصادی، مجموعه‌ی نگرش‌ها، باورها و رفتارهایی است که رابطه‌ی جامعه را با کار، پول، تولید، مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، ریسک و آینده شکل می‌دهد. جامعه‌ای که انضباط مالی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد، همکاری، نوآوری و نگاه بلندمدت در آن پرورده شود، در برابر بحران‌های اقتصادی ایستاده‌تر است.

در برابر، بی‌اعتمادی، مصرف‌زدگی، تصمیمات هیجانی، نبود آموزش مالی، بی‌توجهی به آینده و ضعف سرمایه‌ی اجتماعی، اقتصاد را شکننده می‌کنند. از همین رو، تاب‌آوری اقتصادی تنها با سیاست‌های مالی و پولی ساخته نمی‌شود، که با تربیت، خانواده، آموزش، رسانه و فرهنگ عمومی نیز ساخته می‌شود.

در خانواده، آموزش مدیریت منابع، بخشی از فرزندپروری تاب‌آور است؛ در مدرسه، سواد مالی و حل مسئله در کنار دیگر مهارت‌های زندگی جای می‌گیرد؛ در رسانه، میان امیدآفرینی و واقع‌گرایی باید تعادل برقرار شود؛ و در کسب‌وکار، اخلاق حرفه‌ای، یادگیری سازمانی، مدیریت دانش و سرمایه‌ی انسانی باید جدی گرفته شوند.

فرهنگ سیمای اقتصادی دارد؛ زیرا در نحوه‌ی تولید، مصرف، کار و همکاری مردم دیده می‌شود. و اقتصاد سیمای فرهنگی دارد؛ زیرا در انتخاب‌های روزمره، ارزش‌های اجتماعی و رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر و با طبیعت ریشه دارد.

رسانه؛ پل میان آگاهی و مشارکت

رسانه در مأموریت ملی تاب‌آوری فرهنگی هویت‌محور، نقشی بنیادین دارد؛ زیرا رسانه تنها انتقال‌دهنده‌ی خبر نیست، که سازنده‌ی معنا، حافظه و گفت‌وگوی عمومی است. رسانه می‌تواند جامعه را در برابر بحران‌ها آگاه، آرام، مسئول و مشارکت‌جو کند؛ و می‌تواند با روایت‌های سطحی و هیجانی، بر اضطراب و بی‌اعتمادی بیفزاید.

همکاری با عصر اقتصاد از آن رو ارزشمند است که نشان می‌دهد گفت‌وگوی تاب‌آوری باید در همه‌ی فضاها، اجتماعی جریان یابد؛ تاب‌آوری فرهنگی نباید در حلقه‌های محدود دانشگاهی محبوس بماند، که باید به زبان اقتصاد، خانواده، مدرسه، بازار،

روستا، گردشگری، محیط زیست، فناوری و رسانه ترجمه شود.

ما به رسانه‌هایی نیاز داریم که میان حوزه‌ها پل بزنند؛ میان دانشگاه و جامعه، میان پژوهش و عمل، میان فرهنگ و اقتصاد، میان سیاست‌گذاری و تجربه‌ی زیسته‌ی مردم. رسانه‌ای که بتواند ظرفیت‌های پنهان ایران را ببیند، روایت کند و به گفت‌وگویی ملی بدل سازد، خود بخشی از زیرساخت تاب‌آوری فرهنگی است.

از بیستون تا بیهق؛ دستی برای هم‌دستی

شعار ما، «از بیستون تا بیهق»، تنها اشاره‌ای جغرافیایی یا تاریخی نیست؛ دعوتی است به دیدن ایران در تمامیت فرهنگی و تمدنی‌اش. از بیستون، نماد تاریخ و کتیبه و حافظه‌ی تمدنی، تا بیهق، سرزمین دانش و روایت و فرهنگ، صدایی مشترک شنیده می‌شود: صدای پیوند، همدلی و هم‌دستی.

ایران به هم‌دستی نیاز دارد؛ به همکاری دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان فرهنگی، اقتصاددانان، روان‌شناسان، مدیران، کارآفرینان، هنرمندان، معلمان، خانواده‌ها و مردم محلی. هیچ نهاد و گروهی به‌تنهایی نمی‌تواند بار سنگین تاب‌آوری ملی را بر دوش کشد.

مأموریت ملی تاب‌آوری فرهنگی هویت‌محور، مأموریتی برای یک فرد یا یک مجموعه‌ی خاص نیست؛ این مأموریت به همه‌ی کسانی تعلق دارد که ایران را دوست دارند و آینده‌ی آن را مهم می‌دانند.

هر کس که برای پاسداشت یک زبان محلی تلاش می‌کند، هر کس که میراث روستای خود را معرفی می‌کند، هر کس که کسب‌وکاری اخلاقی و پایدار بنیان می‌نهد، هر کس که به کودک خود هویت و گفت‌وگو و مسئولیت‌پذیری می‌آموزد، هر کس که در بحران به یاری دیگری می‌شتابد، در حقیقت بخشی از پروژه‌ی بزرگ تاب‌آوری ایران است.

تاب‌آوری از همین کنش‌های کوچک و پیوسته ساخته می‌شود؛ از یک گفت‌وگوی صادقانه در خانواده، از احترام به سالمند، از حمایت از تولیدکننده‌ی محلی، از مراقبت از طبیعت، از روایت یک خاطره، از پاسداشت یک آیین، از خریدی مسئولانه، از آموزش یک مهارت، از ساختن یک اعتماد و از دست‌یاری دادن به دیگری.

راهی برای آینده

امروز، بیش از هر زمان دیگری، به نگاهی نیاز داریم که ایران را نه مجموعه‌ای از بحران‌ها، که سرزمینی سرشار از ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی، تاریخی و طبیعی ببیند. دیدن ظرفیت‌ها، نادیده گرفتن مشکلات نیست؛ تاب‌آوری واقعی با انکار دشواری‌ها زاده نمی‌شود، که با شناخت دقیق آن‌ها و تبدیل تهدیدات به فرصت‌های یادگیری و بازسازی شکل می‌گیرد.

ما باید میان گذشته و آینده، میان سنت و نوآوری، میان هویت و جهان معاصر، میان فرهنگ و اقتصاد، میان فرد و جامعه و میان توسعه و پایداری، رابطه‌ای سازنده برقرار کنیم. ایران برای عبور از چالش‌های پیش رو، به همه‌ی سرمایه‌های مادی و معنوی خود نیاز دارد: سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد عمومی، دانش دانشگاهی، تجربه‌ی زیسته‌ی مردم، ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، توان رسانه‌ها، خلاقیت جوانان، خرد خانواده‌ها، میراث فرهنگی و تنوع اقلیمی.

در دبیرخانه‌ی تاب‌آوری فرهنگی هویت‌محور، دغدغه‌ی ما این است که این سرمایه‌ها دیده شوند، به هم پیوند بخورند و در خدمت ساختن آینده‌ای ایرانی، انسانی و پایدار قرار گیرند. ما باور داریم هر آنچه نشانی از ایران دارد، شایسته‌ی توجه، مطالعه، حفاظت و روایت است.

ایران فقط در کتاب‌های تاریخ نیست؛ ایران در زندگی مردم است، ایران در بازارها، در خانه‌ها، در روستاه و در مدارس است. ایران در آیین‌ها، در کارگاه‌ها، در جاده‌ها، در کوه‌ها، در زبان و در امیدهای نسل‌های آینده جاری است.

راهی که امروز با همراهی عصر اقتصاد آغاز کرده‌ایم، راهی است برای نزدیک‌تر کردن فرهنگ و اقتصاد، دانشگاه و جامعه، پژوهش و عمل و گذشته و آینده. که البته خوب میدانیم این راهی طولانی است؛ اما هر راه ملی و تاریخی، با گام‌های کوچک و اراده‌های بزرگ آغاز می‌شود.

اما چه خوب است که تا بار دیگر یادآوری کنیم تاب‌آوری از فرد آغاز می‌شود، اما مقصد آن فرهنگ است. فرهنگ، ریشه‌ی اقتصاد است و اقتصاد، اگر هویت‌مدار باشد، حافظ فرهنگ خواهد بود.

بشارت و شاد باش این که از بیستون تا بیهق، از فرد تا فرهنگ و از فرهنگ تا اقتصاد، این را ادامه دارد.
با احترام.

دکتر محمدرضا مقدسی

مشاور عالی ماموریت ملی تاب‌آوری فرهنگی هویت هویت محور

معاونت علمی و پژوهشی جمعیت همیاران سلامت روان ایران

موسس و بنیانگذار خانه تاب‌آوری